



بابا رو بیشتر دوست داری یا مامان؟

هادی نقوی



۱

چگونه باید کودکان را از این دوراهی‌های کاذب نجات داد؟ چطور آن‌ها را از آسیب‌ها و آفات برخوردهای مشابه ایمن کنیم؟ شاه کلید اصلی هدایت عاطفی و تصمیم‌گیری درست کودک، در دست پدر و مادر است؛ آن‌ها باید با پشتیبانی از یکدیگر در نوع و روش برخورد با کودک، دوشادوش هم او را رشد بدهند. تکذیب یکدیگر در سبک سخن و رفتار با کودک در حضور او، انگیزه او را در تبعیض مهرورزی به آن‌ها بالا می‌برد. هنگامی که فرزند در درون خانه با هدایت عاطفی و بستر محبت‌آمیز مناسب و موفق تربیت شود، در قبال سؤالات نادرست دیگران مقاومت می‌کند و سطح آسیب‌پذیری او به حداقل می‌رسد. یادآوری جلوه‌های محبتی و کارهایی که پدر برای آسایش فرزند انجام می‌دهد توسط مادر خانواده و برعکس آن، یعنی بیان زحمت‌ها و نیکی‌های مادر برای راحتی کودک توسط پدر به فرزند، مسئله‌ای است که فرزندانمان را از گرفتار شدن در این دوراهی‌ها بیرون می‌کشد. پدر و مادر، جای اینکه همراه و هم‌تیم فرزند بشوند و به سرزنش یکدیگر بپردازند، لازم است پشتیبان یکدیگر باشند.

معمولاً فرزندان در پاسخ به این دست سؤالات بزرگ‌ترها که در ادامه می‌خوانید، ترکیب واژگان و جواب یکسانی دارند:

- با کی رفتی مسافرت؟

- با کی دوست داری غذا بخوری؟

- با کی می‌خواهی بیای خونمون؟ ...

بیشتر آن‌ها در پاسخ می‌گویند: «مامان و بابا»؛ اما برخلاف سرشت پاک، دوست‌داشتنی، مهربان و عدالت‌محورشان، گاهی ما از آن‌ها می‌پرسیم: «بابا رو بیشتر دوست داری یا مامان؟»

با این سؤال دانسته یا ندانسته او را بر سر دوراهی کاذبی قرار داده‌ایم که لحظاتی را مات و مبهوت سپری می‌کند و در پی یافتن جواب مناسب تلاش فراوانی انجام می‌دهد. آیا این سؤال با جهان ذهنی بی‌آلایش فرزندان هماهنگ است؟ مثل اینکه از کودکی پرسید: کدام چشمت را بیشتر دوست داری؟ باید کمی بیندیشیم!

با طرح سؤال مذکور، چه چیزی وارد دنیای افکار فرزند می‌شود؟ آیا او معنی و مطلب جدیدی را می‌آموزد؟ اینکه می‌توان یکی از عزیزترین عزیزان را بیشتر از دیگری دوست داشت و دیگری را کمتر؟! می‌توان حساب نزدیکان را از هم جدا کرد؟!

اگرچه این مفاهیم به تدریج و با رشد فکری فرزندان روشن می‌شود، ولی طرح آن در سنین پایین مناسبی با فکر معتدل و روان پاک آن‌ها ندارد. علاوه بر این، موضوعی انحرافی و تشویشی کودکانه در نظر او تولید می‌شود و مدیریت عاطفی‌اش را دچار آسیب می‌کند.

فرزندان در حقیقت تمایلی به سطح‌بندی محبت میان پدر و مادر و انتخاب گزینه بهتر ندارند. آن‌ها با موهبت فطری و خدادادی پاکی متولد شده‌اند و محبت بدون تبعیض نسبت به والدین، زاییده همین شعور درونی و زلالی روح آن‌هاست. پدران و مادران مؤمن، سهم عمده و مسئولیت حساسی را در تربیت عاطفی و مدیریت احساسات دختران و پسران دارند. شاید توجه جدی به برخی نکات بتواند یاریگر ما در ایفای این نقش خطیر باشد.

۲

فرزندان گل‌های زندگی‌اند و محبت و دوست داشتن آنان موهبتی الهی است. این مهربانی امری درونی است و به‌طور طبیعی ممکن است فردی یکی از فرزندان خود را بیشتر از بقیه دوست داشته باشد. شدت محبت به فرزندان «رحمت» آفریدگار را جلب می‌کند؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «قطعاً خدای عزیز و بزرگ به کسی که محبت زیادی به فرزندش دارد، رحم می‌کند»^۱.

ممکن است مادر یا پدر، یکی از فرزندان را به دلیل یک ویژگی جسمی یا حادثه‌ای خاص یا رفتار شایسته یا هر چیز دیگری بیشتر دوست بدارد؛ اما حق ندارند این کشش و علاقه را ابراز کنند و به رخ دیگر خواهران و برادران او بکشند. آثار سوء تبعیض رفتاری در صفاتی چون حسادت، بدبینی، رقابت ناسالم، ریا و خودبرتربینی میان فرزندان دیگر آشکار می‌شود. این آفات رفتاری، گاهی می‌تواند خط‌مشی رفتاری بچه‌ها با یکدیگر را تا پایان عمر تحت الشعاع قرار دهد که ریشه این گرفتاری‌ها، اظهار غلط مهر مادری یا محبت پدری بوده است. در گفتار نورانی اهل بیت علیهم السلام چنین هشدارهای تربیتی دقیقی به چشم می‌آید؛ به این دو روایت دقت کنید:

پیامبر مردی را دید که یکی از دو پسرانش را بوسید و دیگری را نبوسید سپس فرمود: «چرا میان آن دو مساوات را رعایت نکردی؟»^۲ و نیز فرمود: «در پنهان هم عدالت بین فرزندان را رعایت کنید؛ همان‌طور که دوست دارید آن‌ها در نیکی و لطف به شما عدالت داشته باشند»^۳. بنابراین در ابراز محبت به اولاد باید از اصل مساوات پیروی کرد تا صلح و صفای فرزندان در آینده خدشه‌دار نشود و ستمکاری و تبعیض در سپهر روشن زندگی‌شان جلوه‌گری نکنند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۱.
۲. همان، ص ۹۹.
۳. مکارم الأخلاق، ص ۲۲۰.
۴. همان.

۳

موضوع ابراز محبت و علاقه، جدا از اصل محبت است. انسان‌ها باید مهرورزی و عشق به اولاد را بروز بدهند. یکی از ارکان تربیت صحیح برخورد با محبت و ابراز آن است. مردی که کودکش را نبوسد، در آغوش نکشد و گرمای مهرش را به او نچشاند، به زودی نوجوان آینده‌اش را در معرض آغوش و بوسه‌های آلوده خواهد دید. مردی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و گفت: من هرگز کودکی را نبوسیده‌ام! هنگامی که از محضرش خارج شد، پیامبر فرمود: «او مردی است که در نظر ما از اهل آتش است»^۴.

